

نخود صفت بودن = لازمه زندگی در جامعه امروزی (نسخه PDF)

عنوان جالبی هست نه ؟ به نظر شما نخود صفت بودن یعنی چه ؟ نخود چه صفت خاصی دارد که این روزها به درد ما می خورد ؟ این قضیه به سالهای سال پیش بر می گردد. زمانیکه من یک دانشجوی ترم اول دانشگاه بودم و یکی از دوستانم که از من پخته تر و بزرگتر بود جریان نخود صفتی را مطرح کرد و من از آن به بعد نخود صفت شدم .



اما اصل ماجرا : چرا نخود ؟ دوستان ما در جامعه ای زندگی می کنیم که خواسته یا ناخواسته با افراد مختلفی نشست و برخاست و مراوده داریم . از کلاهبردار و کلاش و بد دهن و بی ادب گرفته تا آدم های صادق و سالم و خوش بیان و دوست داشتنی که هر کدام هم ویژگی های بدی دارند و هم ویژگی های خوب ... باز هم ممکنه بپرسید که این موارد چه ارتباطی به نخود داره ! پس تا اینجا کار توی ذهن خودتون داشته باشید تا اصل مطلب رو متوجه بشید .

نخود تنها عنصر از یک آش پر پیمون هست که خودش رو حتی بعد از مدت ها جوشیده شدن و امید و به قول خودمونی له و لورده نمیشه . در این حین ، سبزی ، لوبیا ، عدس و همه چیزهای دیگه توی این آش رشته خودشون رو وا میدن ... جامعه ما هم مثل یک آش میمونه دوستان ... شما با انواع و اقسام آدم ها برخورد دارید که هر کدام ویژگی های خوب و بدی دارند که شما می تونید از هر کدامشون خوب ها رو برداشت کنید و بدها رو به خودتون نگیرید.



نخود هم توی آش بعد از اینکه خواص همه مواد آش رو به خودش گرفت در عین اینکه همه مواد خودشون رو وا میدن ، نخود خوش رو وا نمیده ... یعنی صفت خاصه نخود و ندادن خودش هست . کاری که ما تو این جامعه به شدت بهش نیاز داریم ، یعنی خودمون رو وا ندیم .

از بچگی یادم هست که توی محله خلافتکاری بزرگ شدم . محله اسلام آباد کرج یا همون زور آباد ... با انواع و اقسام آدمها برخورد داشتم و دوستی کردم . از جیب بر و خلافتکار و ... گرفته تا کلی آدم حسابی ... سعی کردم این نخود صفتی رو داشته باشم یعنی با همه برخورد داشته باشم ولی خودم رو با هیچکدوم که از نظرم بد هستن و ادم ... برای موفقیت توی زندگی اصل نخود صفت بودن رو رعایت کنید ... چیزهای خوب رو به خودتون بگیرید اما خودتون رو تو جامعه وا ندید ...

نویسنده : محمد نصیری

منبع : جزیره فرهنگ وب سایت توسینسو

هرگونه نشر و کپی برداری بدون ذکر منبع و نام نویسنده دارای اشکال اخلاقی است

نیک رو هرچه بیشتر برداشت کرد .

اما یه موضوعی رو ضمیمه کنم :

البته گلاب به روی شما استاد محترم و جمع کاربران

والا همین ماهیت و نادان نخود در دسر سازه دیگه ، انقدر وا نمیده ، تا وقتی که خورده میشه اون وقت وا میده و تبدیل میشه به دستگاه باد ساز ، اون موقع هرچی بخواهید دیگه وا میده - (حالا شما تعمیم بدین به متن بالا)

اسائه ادب نبود باشه ، خواستم یه مثال نقض برای متن حکیمانه حضرت عالی متذکر بشم

محمد نصیری

سلام و عرض ادب ، دوست عزیز اگر قرار باشه آش اونقدر که شما میفرمایید پخته بشه دیگه آش نیست ! شله قلمکار که نیست ... هر چیزی حد و اندازه ای داره طبیعتا ... حتی جوشیدن با جامعه ... مثال شما نقض نیست چون اساسا بحث ما آشپزی نیست یه مثال بود ... اگر به نحوی که شما به ماجرا فکر کردید فکر کنیم خیلی از سخنان و گفته های عالم ها و عرفای دوران رو می تونیم نقض کنیم ... مثلا :

۱. نابرده رنج گنج میسر نمیشود ::: ولی خوب زیاد هم رنج بکشی میمیری بدبخت میشی

۲. برو کار کن مگو چیست کار ::: زیاد هم کار کنی و سوال نپرسی دهنت آسفالت میشه

و ده ها مثال دیگه ... شما اصل مطلب رو ببینید ... البته هر کسی میتونه برداشت خودش رو داشته باشه من با این روش زندگی کردم و موفق شدم شما ممکنه با این روش زندگی کنید و خودتون رو وا بدید ... با سپاس

MB-Civil.IT

□□□□□□□□

ضمن سلام مجدد خدمت استاد محترم

اقای مهندس ، مجددا ، فرمایش شما در پاسخ به بنده ، متین هستش و پذیرفتنی ! - نقطه نظر بنده هم همون ۲ مثالی بود که در پاسخ زدین ، منظور بنده این بود که همیشه هیچ منطقی ۱۰۰ درصدی نیست (مهم همان اصل قضیه ای هستش که به منطقی پذیرفته شده تبدیل میشه)

این تیپ موضوعات که باب آن رو باز نمودید و گریزی حکیمانه و به جا فرمودید ، در فلسفه ی استدلال استنتاجی و استدلال استقرایی صدق می کنه.

تا این بوده ، شخصا سعی کردم در جامعه همین حکایت نخود صفت داشتن پند و فرمایش شما رو رعایت کنم ، هنوز به وا دادن نیفتادم (□) ، انشالله خدا بقیه راه رو هم کمک کنه ! همچنین از تجربیات بزرگتر هایی همچون شما برای ادامه ی راه استفاده کنیم

ارادتمند آقای مهندس ~^